

بوسه بر دست پینه بسته کارگر یا شلاق بر پشت خمیده او

صدیق امجدی، فارس گویلیان و حبیب الله کلکانی کارگران اخراجی نساجی کردستان متحمل ۱۰ ضربه شلاق و پس از آن مبلغ ۶۵۰۰۰ هزار تومان بعنوان جریمه پرداخت شدند، این جریمه هم حتما بعنوان دستمزد شلاق زنان دریافت میشود، البته این ۳ تنها نیستند ۸ نفر دیگر هم در نوبت شلاق و جریمه قرار دارند. اتهام و جرم آنها هم شرکت در مراسم روز جهانی کارگر در سنج بود؟؟؟

در اینکه رژیم سرمایه داران اسلامی تاکنون از هیچ جنایتی نسبت به کارگران، زنان، دانشجویان، معلمان و دیگر اقشار زحمتکش حتی مرفه غیر وابسته به خود کوتاهی نکرده هیچگونه شک و شبهه ای وجود ندارد. ولی چرا اکنون سرکوب را به این سطح رسانده است؟ ما بخوبی میدانیم که طی ۲۹ سال عمر ننگین جمهوری اسلامی کارگران ایران همیشه در مقابل این رژیم قرار داشته و دارند. (رویاری در برابر قوانین یا در برخورد با مسائل صنفی در محیط های کار همواره وجود داشته و دارد)

رژیم اسلامی قیل از قدرت رسیدن با سوء استفاده از سرکوب و بی عدالتی و بی حقوقی کارگران در دوران رژیم سرمایه داران سلطنتی که در آن نیز کارگران و زحمتکشان ایران از بی حقوقی کامل رنج میبردند، با استفاده از نامتشکل بودن آنان ضمن پنهان نمودن چهره کریع خود، به طرح شعارهای عوامفریبانه مانند پیامبر بر دست پینه بسته کارگر بوسه میزد!!!!؟؟؟، تا عرق کارگر خشک نشده باید مزد او را پرداخت!!!!؟؟؟ یا اینکه پیامبران و امامان همه زحمت میکشیدند و حاصل دسترنج خود را میخوردند!!!!؟؟؟ ما میخواهیم عدالت اجتماعی !!! برقرار کنیم و از این دست شعارهای عوام فریبانه، توانسته بود با بهره گیری از عقاید مذهبی و سنتی اکثر زحمتکشان جامعه و با معصوم نشان دادن خودشان اینکه به مال دنیا نیازی ندارند و به آخرت خود فکر میکنند!!!!؟؟؟؟ فاجعی بنام جمهوری اسلامی ایران را برای ما رقم بزند.

زمانیکه در سال ۱۳۵۷ قدرت را بدست گرفتند تازه برای زحمتکشان آشکار شد که در پس آنهمه عوامفریبی چه موجودات جنایتکار و مرتجع و ضد بشری وجود دارد. در همان اولین روز قدرت رسیدن اعدام و قتل عام دست اندرکاران رژیم جنایتکار شاهنشاهی بدون هیچ ضوابط حقوق بشری، بدون آنکه آنان اجازه دفاع از خود داشته باشند، اجرا شد تا همگان بدانند که این رژیم به هیچ قانونی پایبند نیست، در این میان کارگران و زحمتکشان و روشنفکران جامعه که جنایات رژیم شاه را با گوشت و پوست خود لمس کرده بودند نه تنها سکوت نموده بلکه ابراز شادمانی و همراهی نیز مینمودند.

حکومت اسلامی در اولین سال به قدرت رسیدن توی خیابانها با شعار روسری یا توسری زنان را به زیر روسری و چادر کشاند تا بدینوسیله جامعه رو بدونیم تبدیل نماید و هیچ زنی احساس انسان بودن بخود راه ندهد!! زنان جامعه درگیر مسائلی شدند تا توان آنان در مبارزات طبقاتی محدود شود. گام بعدی کارگران بودند که روز ۱۱ اردیبهشت ۵۸ به خیال اینکه باید آزادانه مراسم روز جهانی کارگر را برگزار کنند در شهرهای مختلف مورد هجوم چماقداران سرمایه قرار گرفته تا فکر نکنند که آزادند و میتوانند به خودشان بعنوان یک طبقه اجتماعی باور داشته باشند. و یک وقت هوس کارهای مهمتری بسرشان نزند!! دقیقا فردی (احمد توکلی) را بعنوان وزیر کار اسلامی معرفی کردند که سرسپردگی او به سرمایه داری جهانی علی الخصوص (انگلیس) برای همه کاملا آشکار بود تا

بدینوسیله به کارگران وزحمتکشان بگویند که چه نقشه های شومی در سر دارند همان وزیری که بیشرمانه اسم کارگر را به کار پذیر تعویض نمود و میگفت بازنشستگی یعنی چه؟ ما در کشور اسلامی زندگی میکنیم و معتقد به صله رحم هستیم هرکس پیر و از کار افتاده شد و نتوانست کار کند باید اقوام بعنوان صله رحم یا اگر بیکس بود از صندوق صدقات (در حد بخور و نمیر) به او کمک شود!!!!!! یا در پست وزارت نفت افرادی مثل غرضی و تندگویان مامور مقابله با کارگران نفت شدند تا فکر نکنند اگر اعتصاب کردند و بدینوسیله حکومت شاه را سرنگون نموده، اکنون برای خود سهمی میتوانند داشته باشند!! در این میان طبقه کارگر ساکت ننشسته و با تشکیل شورای کارخانه و سندیکاها در مقابل حملات رژیم اسلامی مقاومت نمود، حکومت فاشیستی اسلامی که حالا تمامی ابزار های سرکوب را بدست گرفته با توجه به خطری که از جانب طبقه کارگر متوجه کل نظام سرمایه داری میشد در وحشیانه ترین حالت ممکن لحظه ای درنگ بخود راه نداده و شروع به دستگیری و زندان، ترور و اعدام نمودن فعالین کارگری نمود. از طرفی بوسیله مزدوران خود تشکلاتی بنام خانه کارگر و شورای اسلامی کار را جایگزین تشکلات واقعی و مستقل کارگری نمود. البته باید یاد آور شد که کشورهای سرمایه داری و سازمانهای به اصطلاح حقوق بشری و در آن زمان با سکوت خود نقش بسزایی در این سرکوب ها ایفاء نموده و به باور ما در نوع سرکوب با این رژیم همکاری مینمودند آیا ماجرای روابط پنهان ایران و آمریکا به گفته خود سران رژیم یا روابط علنی رژیم با کشورهای اروپایی سر چه مسائلی بوده؟؟؟؟ یک نمونه کوچک آن ماجرای مک فارلین معروف به ایران کنتر است.

در طرفی دیگر احزاب و سازمانهایی که خود را کمونیست!! و سوسیالیست!! مینامند (حزب توده / فدائیان اکثریت) در این سرکوبها به امید سهیم شدن در قدرت و امید به نابودی فعالین واقعی که بقول آنان ضد انقلاب!!! بودند بدست حکومت اسلامی (تادر آینده بتوانند با حکومت ضد امپریالیست خود بدون مزاحم در صلح و صفا زندگی کنند) همکاری کامل و لازم را با رژیم نموده و هنوز هم ادامه میدهند.

اینها گوشه کوچکی از فجایحی است که بر ما رفته و هیچگاه فراموش نخواهد شد. اما چه مناسبتی با خبر شلاق خوردن کارگران دارد؟

کارگران ایران در طی این ۲۹ سال مرتب از این حکومت شلاق خورده اند ولی نه اینگونه علنی، هر فعال کارگری یا دیگر افشار زحمتکش جامعه که تعداد زیادی را شامل میشوند در ابتدای دستگیری توسط بازجویان و مامورین رژیم مستقیم به اطاق تعزیر (شکنجه) هدایت میشود پس این امر غیر عادی برای فعالین و مبارزین نیست! رژیم اسلامی نیز اینرا خوبی میدانند.

اگر به سیر حوادث ۲۹ ساله توجه داشته باشید، رژیم خونخوار و جنایت پیشه اسلامی یکی از شیوه های سرکوب خود را تمرکز روی نابودی شخصیت افراد قرار داده تا بدینوسیله آنها را از صحنه اجتماعی محو نماید. در اوایل سال ۶۰ این کار را با تجاوز به زنان، دختران و حتی مردان زندانی سیاسی آغاز نمود این عمل آنقدر شنیع و وحشیانه بود که باور آن برای خیلی ها امکان نداشت، امروز دیگر تقریباً همه آن را میدانند، این سیاست آنها با آن ابعاد زیاد برای تهی نمودن زندانی از آرمانهای خود و گرفتن شخصیت سیاسی او صورت میگرفت زیرا این مسائل متأسفانه در سنت ها و باورهای ما وجود داشته که در اینگونه مواقع ما به اصلاح عامیانه نتوانیم در جامعه سر بلند نمائیم!!!!!! در بین همبندان حتی ابرازش نتوانیم و در این رهگذر عده ای چنان مرعوب جانان شده که حتی برای خلاصی خود به همکاری با آنان کشیده شدند. این اعمال با شدت بیشتری نسبت به زندانیان موسوم به عادی رواج دارد زیرا در آنجا دیگر افشاگری وجود ندارد، زندانی بدون آنکه بداند علت مجرمیت او وجود همین حکومت های ضد مردمی است، در مقابل هرگونه تجاوزی هیچگونه مقاومتی در خود نمی بیند و بعد از زندان نیز همه چیز را برای خود از دست رفته می بیند عده ای به اعتیاد در داخل خود زندان

کشیده شده و بیرون ادامه میدهند عده ای که مورد تجاوز و تعرض قرار گرفته با توجه به همان سنتهای غلط جامعه از خانه طرد یا روی برگشت به خانه رانند در نتیجه به حاشیه خیابانها و خانه های فحشاءیا توسط همان زندانبان مهربان!! برای صدور به کشورهای دیگر برنامه ریزی میشوند. این شیوه در زندانهای مخوف جمهوری اسلامی رایج شده، اما رژیم اسلامی که در تمامی زمینه های سیاسی و اجتماعی درگیر بحرانهای خود ساخته است برای بقاء عمر کثیف خود نیاز به ایجاد جو رعب و وحشت بیشتری دارد به همین دلیل چند سال اخیر موج اعدام ها و دستگیری و ضرب و شتم و حشمانه جوانان بنام مبارزه با مفسد اجتماعی و اراذل و اوباش!! در ملاءعام شدت بیشتری یافته. سیاست های غارتگرانه سرمایه داران حاکم باعث بیکاری کسترده جوانان و کارگران صنایع و کارخانجات میباشد. سرمایه داران حاکم که خود را به هیچکس پاسخگو نمیدانند با آسودگی خاطر قوانین ضدکارگری را بر علیه کارگران تصویب نموده، صنایع ملی ما را مفت و ارزان در اختیار عوامل خود بعنوان حق السکوت یا پاداش جنایتکاری در حفظ نظام یا افراد فامیل خود، بصورت اقساط تحت عنوان خصوصی سازی قرار داده و آنها نیز با پشتوانه تمام دستگاههای سرکوبگر رژیم، کارگران را به برده گی واداشته و یا بنام صنعت به تجارت می پردازند چراکه سود بیشتری را با استفاده از امکانات دولتی که در اختیارشان است بدست آورده و با فروش ملک و مستغلات بدست آمده، کارخانجات و صنایع غنیتمی را به تعطیلی کشانده و خود را از شر کارگران راحت نموده تا با خیالی آسوده ثروت های کلان اندوخته نمایند و در موقع لزوم با فرار به کشورهای امن (برای سرمایه گذاری و ادامه زندگی) مشکل مصادره و بازپس گیری سرمایه وجود نداشته باشد. بیهوده نیست آیت الله های بقدرت رسیده که تا دیروز از طریق روضه خوانی ورمالی در پناه تجار محترم!! روزگار سختی رو میگذاشتند، امروز با راهنمایی و مشارکت همین تجار و پاسداری فرزندان سپاهی خود انحصار واردات تمامی کالاهای مورد نیاز جامعه را بدست گرفته (بدون توجه به تولید داخلی محصولات اساسی مانند شکر، چای، صنعت نساجی) با توجه به استفاده از ارز دولتی و عدم پرداخت مالیات به ثروت های باد آورده میرسند، از آنطرف صنایع تولیدی تعطیل و کارگران بیشتری به صف بیکاران اضافه میشوند. حال با توجه به بیکاری روز افزون و عدم یک افق روشن برای بهبود اوضاع، بخشی از جامعه به سمت دلالی و واسطه گری، دستفروشی، تکدی گری، فحشا، فروش اعضاء بدن، سرقت، فروش مواد مخدر و اجناس قاچاق (که مدیریت آن هم با خود حاکمیت است) روی آورده که از اینان در ۲ مورد سوء استفاده میشود هم بعنوان بزه کار! برای سرکوب و هم بعنوان عاملی برای انتقال و فروش کالا. در مقاطعه ای که سرکوبگران نیاز داشته باشند جامعه رو مرعوب نمایند همین انسانهای بیدفاع را به بدترین شکل در انظار عمومی اعدام، گرداندن بطور مضحک و شلاق زدن برای (به اصطلاح خودشان) عبرت دیگران به نمایش میگذارند. رژیم ضد مردمی تاکنون شیوه های ننگین خود را تجربه نموده و توانسته میلیونها ایرانی را دارای سابقه کیفری نماید، اکثرا با وثیقه های سنگین به اصطلاح آزاد میشوند، این ها همه گرو کشی هایی است که حکومت اسلامی انجام داده تا بدینوسیله نیروی بلقوه برای دگرگونی را منفعول نماید. در این رابطه است که برای هشدار به فعالین کارگری، دانشجویی، زنان و روشنفکران سیاسی اجتماعی دست به اقدامی تحقیر آمیز میزند. در آبان ۸۶ دلارم علی فعال جنبش زنان به زندان و شلاق محکوم میشود. در تاریخ ۲۷ بهمن و ۲ اسفند ۸۶ سه تن از فعالین جنبش کارگری بجرم برگزاری اول مه روز جهانی کارگر متحمل ضربات شلاق میشوند. این حکم ضد انسانی و شنیع را درست در کردستان این دژسازش ناپذیر جنبش کارگران و زحمتکشان به اجرا میگذارند. شما فکر میکنید سرمایه داران حاکم آنقدر احمقند که ندانند ۱۰ ضربه شلاق برای کارگری که تمامی عمر مفید خود را به سختی کار کرده درد آور نیست؟ جانان حاکم که تا کنون از هیچ جنایتی نسبت به مردم ما دریغ نورزیده اند مسلما اهداف دیگری را دنبال میکنند. آنها راحت دانشجویان و مبارزین را زیر شکنجه میکشند و توسط مزدوران خود که ملبس به لباس پزشکی میباشند تاییدیه خودکشی میگیرند. محمود صالحی و منصور اسانلو را با وجود بیماری و علیرغم فشار مجامع بین المللی و فعالین کارگری، دانشجویی با وجود خطر مرگ و نقص عضو همچنان در زندان نگه میدارند. مجید حمیدی را در روز روشن ترور میکنند تا به همه بگویند به هیچ قاعده و قانونی پایبند نیستند.

اینها میخواهند با شلاق زدن روحیه مقاوم کارگران را در هم بشکنند، اینها بدینوسیله میخواهند طبقه کارگر رو تحقیر کنند. این سرکوب عریان همراه با قلدری است. این هوشیاری بیشتر کارگران، دانشجویان، زنان و اقشار زحمتکش جامعه رو میطلبد این نشان میدهد که باید جهت تشکل یابی تلاش بیشتری نمود، حکومت اسلامی نیز مانند حکومت سلطنتی نابود شدنی است، ما با پراکندگی خود دست این رژیم را برای غارت، سرکوب، و نابودی انسانیت باز گذاشته ایم. نباید منتظر کسی ماند، کس ندهد آزادی بما، دولت های سرمایه داری و بنگاههای سرمایه داری ساخته فقط میخواهند شیوه استثمار و برده گی را عوض کنند. نیروی ما اگر متحد شویم به اندازه کافی زیاد است که حکومت سرمایه را سرنگون نمائیم.

نابود باد جمهوری اسلامی

نابود باد نظام سرمایه داری

پیروز باد جنبش کارگران و زحمتکشان

جمعی از کارگران پیشرو تبعیدی - سوییس

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران - سوییس

22-02-2008